

ارزیابی تطبیقی و شخصیت محور داستان‌های کتب فارسی متوسطه اول بر اساس نظریه انتخاب ویلیام گلاسر*

ایوب آچاک^۱

دانشجو معلم کارشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان، زاهدان، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی و تحلیل شخصیت‌های داستانی داستان‌های کتب فارسی متوسطه اول بر اساس نظریه انتخاب ویلیام گلاسر در پنج حیطه نیازهای دانش‌آموزان ذیل نظریه مذکور انجام شد. روش تحلیل و تجزیه اطلاعات به صورت کیفی-استنباطی و همچنین جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و جامعه آماری پژوهش، کتاب‌های فارسی پایه هفتم، هشتم و نهم متوسطه خواهد بود. بر طبق نظریه انتخاب، انسان به وسیله پنج نیاز اساسی؛ بقا، عشق و تعلق، قدرت، آزادی و تفریح (لذت)، برانگیخته می‌شود و تمام رفتارهای وی، نشان‌دهنده تلاش او برای برآوردن نیازها و حل تعارض بین این نیازهاست. به نظر گلاسر، آنچه در روان‌پزشکی سنتی بیماری روانی نامیده می‌شود، انتخاب نامناسب، انتخاب رفتار غیر مؤثر و ناکافی است که انسان به وسیله آن می‌خواهد نیازهای خود را ارضاء کند و در نتیجه به راحتی قابل کنترل و درمان است. از همین جهت گزینش، سازماندهی و تدوین محتوا جهت ارضای این نیازها، در هر برنامه درسی و برای تمامی رده‌های سنی به‌ویژه کودکان و نوجوانان، می‌بایست هوشمندانه، هدفمند و با توجه به حال، مقام و نیازهای مخاطب باشد. نتایج پژوهش نشان داد در داستان‌های کتب متوسطه اول، نیاز به عشق و تعلق خاطر در اولویت بالاتری نسبت به چهار نیاز دیگر قرار داشته است و سپس نیاز به بقاء و نیاز به آزادی نیز هر کدام مجموعاً با ۹ شخصیت در اولویت دوم قرار داشتند. پس از آن نیاز به تفریح با ۸ شخصیت و در انتها نیز نیاز به قدرت با ۵ شخصیت در اولویت قرار گرفته‌اند که در نتیجه تحلیل و تفسیر داده‌ها و نتایج آماری پژوهش، مبرهن شد که داستان‌های کتب فارسی متوسطه اول، حسب نظریه انتخاب ویلیام گلاسر به خوبی انتخاب و تدوین شده‌اند و برای مخاطب با این گروه سنی مناسب و به مقتضای حال و مقام بودند.

واژه‌های کلیدی: شخصیت‌های داستانی، نظریه انتخاب، ویلیام گلاسر، فارسی متوسطه اول.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۴ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۱

(نویسنده مسئول)

¹ Email: ayobachack@gmail.com.

A Comparative and Character-Oriented Evaluation of the Stories of the First High School Persian Books Based on William Glaser's Choice Theory*

Ayoub Achak¹

Student Teacher, B.A. in Persian Language and Literature, Farhangian University, Zahedan, Iran.

Abstract

The present research was conducted with the aim of evaluating and analyzing the story characters of the first high school Persian books based on William Glaser's choice theory in the five areas of students' needs according to the mentioned theory. The method of information analyzing was in a qualitative-inferential way, the library method was used for collecting information, and the population included the first high school Persian books, i.e. seventh, eighth and ninth grades. According to the choice theory, human beings are evoked by five basic needs: survival, love and belonging, power, freedom, and enjoyment; and all their behaviors show their efforts to fulfill needs and resolve the conflict between them. Glaser believes what is called mental illness in traditional psychiatry is an inappropriate choice, and a choice of ineffective and insufficient behavior by which a person wants to satisfy his/her needs, and as a result, it can be easily controlled and treated. For this reason, the selection, organization, and compilation of content to satisfy these needs, in every curriculum and for all age groups, especially children and teenagers, should be intelligent, purposeful and taking into account the present, status and needs of the audience. The results showed that in the stories of the first intermediate books, the need for love and belonging was in a higher priority than the other four needs, and then, each of the needs for survival and freedom were also in the second priority with a total of 9 characters. After that, the need for enjoyment with 8 characters and finally the need for power with 5 characters were prioritized, and as a result of the analysis and interpretation of the data and statistical findings of the research, it was clear that the stories in the first high school Persian books were well chosen and compiled according to William Glaser's choice theory, and were suitable for the audience of this age group, his/her present and status.

Keywords: story characters, choice theory, William Glaser, first high school Persian.

* Received: 15/8/2023 | Accepted: 30/4/2024

¹ Email: ayobachack@gmail.com

۱- مقدمه

ویلیام گلاسر^۱ یکی از نظریه پردازان مشهور در حوزه تحلیل شخصیت‌های افراد و تحلیل روایت و داستان‌ها است که امروزه تحلیل گران و صاحب‌نظران، از نظریه‌های وی به‌ویژه نظریه انتخاب^۲، برای مقاصدی همچون بهره‌مندی از داستان‌ها در سیستم‌های تعلیم و تربیت و پرورش فکری کودکان و نوجوانان، خلق و سازماندهی داستان‌ها و محتوای داستانی در منابع آموزشی ذیل نظریه‌های وی، تعریف اهداف آموزشی براساس یافته‌ها، نظریه‌ها و بیانات وی و همچنین نقد، تحلیل و بررسی محتوای آموزشی بر اساس نظریه‌های وی بهره می‌گیرند. گلاسر بیان می‌دارد؛ «این خود ما هستیم که تمام اعمالمان از جمله بدبختی‌مان را انتخاب می‌کنیم؛ دیگران نمی‌توانند ما را بدبخت و یا خوشبخت کنند. تمام چیزی که از دیگران می‌توانیم بگیریم و تمام چیزی که به دیگران می‌توانیم بدهیم، اطلاعات است؛ اما اطلاعات فی‌نفسه و به خودی خود نمی‌توانند ما را وادار به انجام کاری با داشتن احساسی کند. اطلاعات وارد مغز می‌شوند و مغز آن‌ها را پردازش می‌کنند. بعد تصمیم می‌گیریم چه کار کنیم. تمام اعمال و افکارمان را به شکل غیرمستقیم و تقریباً تمام احساسات و حتی بخش عمده‌ای از فیزیولوژی خود را انتخاب می‌کنیم. هر چقدر هم که احساس بدی داشته باشیم، بخش اعظم وقایعی که هنگام درد و بیماری درون بدنمان می‌گذرد، نتیجه مستقیم اعمال و رفتاری است که انتخاب می‌کنیم یا کرده‌ایم، این نظریه انتخاب است» (گلاسر، ۱۹۹۸: ۵۵).

«گلاسر با بسط کار اولیه خود که کنترل درمانی است، نظریه انتخاب را پایه‌ریزی کرد و در آن بر پنج نیاز اساسی انسان تأکید کرده است که انگیزش تمام رفتارهای انسان‌ها از آن نشأت می‌گیرد. این نیازها درونی، جهان‌شمول و همخوان باهم است. در نظریه انتخاب اعتقاد بر این است که افراد برانگیخته می‌شوند تا از طریق بنیان نهادن دنیای کیفی ویژه خود نیازها را ارضاء کنند. دنیای کیفی انسان‌ها، دربرگیرنده علاقه، عقاید و خواسته‌های افراد است و از همین رو همواره تلاش می‌کنند تا با نزدیک‌تر شدن به ارضاء نیازها و رسیدن به خواسته‌های خود، ناکامی را به حداقل برسانند یا حذف کنند» (راضی مرادی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵).

¹ William Glasser

² Glasser's choice theory

«امروزه در ادبیات داستانی، صناعت بیش از محتوا در کانون توجه و تاثیرگذاری قرار دارد و در ادبیات داستانی نیز، عنصر شخصیت جایگاهی والا دارد؛ شخصیت، نظریه‌های مربوط به آن و شیوه‌های متفاوت شخصیت‌پردازی در ادبیات داستانی سابقه‌ای دیرینه دارد و شخصیت‌پردازی یکی از مهم‌ترین ارکان داستان‌نویسی به شمار می‌رود به صورتی که در داستان پست‌مدرن، شخصیت‌های داستانی هم پای نویسندگان دست به خلق و آفرینش در صحنه داستانی می‌زنند و این فقط نویسنده نیست که شخصیت‌ها را به عمل وامی‌دارد، گاه این کاراکترهای داستانی هستند که تأثیری مقتدرانه بر نویسنده و روند داستانی بر جای می‌گذارند. شناخت شیوه‌های شخصیت‌پردازی در داستان معاصر ایران و تحلیل نمونه‌های آن در کار نویسندگان امروز، می‌تواند جنبه‌های مثبت و منفی شخصیت‌پردازی را در داستان‌نویسی معاصر آشکار نماید و در شکوفایی داستان‌پردازی مؤثر واقع شود» (بار احمدی، ۱۳۹۰: ۱).

مواد، محتوا و منابع آموزشی، از بنیادی‌ترین عوامل و نیازهای آموزش، تعلیم، تربیت و تکیه‌گاه مربیان و فراگیران در فعالیت‌های یادگیری و یاددهی به‌شمار می‌روند و در این فرآیند، پویا و واکاوی جهت‌بررسی، تحلیل و نقد این مواد و منابع، مهم‌ترین عامل پیدایش و البته بهبود کیفیت آن به‌شمار می‌رود. از همین جهت، پژوهش حاضر به منظور بررسی میزان انطباق داستان‌های کتاب‌های درسی بر نیاز مخاطب و میزان پابندی و دستیابی این داستان‌ها به اهداف آموزش زبان و ادبیات فارسی در دوره متوسطه براساس نظریه انتخاب ویلیام گلاسر و چگونگی مطرح شدن این نیازها در داستان‌های کتب درسی و همچنین بررسی فراوانی این نیازها در هر پایه انجام خواهد شد.

پس از انجام این تحقیق، با عنایت بر یافته‌ها، محقق به پاسخ پرسش‌هایی همچون؛ آیا داستان‌های مورد بررسی برای کودکان مناسب بوده است؟ هر یک از شخصیت‌هایی که در نهایت بر اساس یک نیازی برانگیخته می‌شوند، آیا برای تامین نیاز خود، رفتار درستی را انتخاب می‌کنند؟ و اگر رفتاری را انتخاب می‌کنند، آیا به نتیجه مطلوب می‌رسند یا نتیجه نامطلوب؟ خواهد رسید.

۲. پیشینه پژوهش

از جمله اقدامات و پژوهش‌هایی تقریباً مشابه و هدفمند که در این زمینه صورت گرفته است و به نیکی می‌توان یاد کرد:

قاینی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «شخصیت و شخصیت‌پردازی در آثار داستانی سیمین دانشور» به این نتیجه رسیدند که شخصیت رکن اصلی و ستون بنای داستان است و همچنان که بنا بر ستون استوار است، داستان نیز بر شخصیت‌های داستانی استوار است و دیگر عوامل مانند ذراتی بر قطب آن می‌چرخند.

آچاک (۱۴۰۱) در پژوهشی تحت عنوان «نقش تربیتی ادبیات در کودکان و نوجوانان»، ۱۲ کارکرد تربیتی و شکل‌دهنده به اخلاقیات در کودکان و نوجوانان را عنوان و مورد بررسی قرار داد که تمامی کارکردهای عنوان شده، به گونه‌ای منحصربه‌فرد در پرتو داستان، داستان‌پردازی و بهره‌جستن از شخصیت‌های داستانی، دست‌یافتی هستند.

همچنین از پژوهش‌های مورد استناد خارج از کشور، می‌توان به اقدامات کولز^۱ (1986) روان‌پزشک کودکان اشاره کرد که در پژوهش کیفی خود به روش‌هایی که به شکل‌گیری ارزش‌های اخلاقی در کودکان کمک می‌کنند پرداخت و نقش ادبیات و هنر را با اهمیت تشخیص داد، زیرا این دو، تخیل اخلاقی (تشخیص نیک و بد) را تقویت می‌کنند که خود موجب تقویت رشد می‌شود. از همین دیدگاه، جودیت روونجر^۲ متخصص دیگری در حوزه علوم کتابداری، به مطالب برگزیده و مصنوعی از منابع مکتوب اشاره داشته که همچون خوراک اخلاقی برای کودکان عمل می‌کنند.

همچنین پژوهش‌های «تحلیل شخصیت در آثار داستانی رضا امیرخانی» اثر یاراحمدی و همکاران (۱۳۹۰)، «تحلیل شخصیت‌های تاریخ بی‌هقی بر اساس نظریه شخصیت آدلر» از شهرابی و همکاران (۱۳۹۲)، «بررسی شعر کودک به لحاظ میزان توجه به مفاهیم تربیتی و اجتماعی در دهه ۸۰-۷۰» از جلولی و همکاران (۱۳۹۳)، «بررسی شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه مصطفی مستور و زویا پیرزاد» از کیکا و امیرپور

¹ Coles

² Judith Rovenger

(۱۳۹۴)، «سیمای شخصیت‌های صوفی در آثار مولانا» از پاشایی شورکند و عبیدی نیا (۱۳۹۴) و... را می‌توان نام برد.

۳. مواد و روش تحقیق

نویسنده در این پژوهش، با روش کار کتابخانه‌ای و جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت کیفی و با رویکرد انطباقی و شخصیت محور، جهت بررسی شخصیت‌های داستانی، ابتدا منابع تحقیق را که شامل داستان‌های کتاب فارسی پایه هفتم، هشتم و نهم متوسطه است، گردآوری کرده و بعد از جمع‌آوری داده‌ها بر اساس پنج حیطه نیازی نظریه انتخاب ویلیام گلاسر، به بررسی، میزان انطباق، هدفمندی تطابق، تحلیل، تفسیر و نقد نمونه شخصیت‌های داستانی و در این سه پایه می‌پردازد.

همچنین لازم به ذکر است، پژوهش حاضر پژوهشی کیفی است که با رویکرد توصیفی-تفسیری انجام می‌گردد. روش داده‌یابی، اسنادی و شیوه داده‌کاوی، تحلیل محتوای قیاسی خواهد بود.

۴. چارچوب نظری

«امروزه هنر داستان‌نویسی جایگاه خاصی در پیشبرد برنامه‌های آموزشی دارد و تجربیات واقعی و عملی شایانی را در اختیار شنوندگان خود می‌گذارد. تأثیر این هنر به حدی است که دانشمندان تربیتی در قرون جدید، از آن به عنوان روشی اساسی در آموزش و پرورش یاد می‌کنند. بر اساس نظریه‌های جدید آموزش و پرورش، استفاده از وسایل توضیح و تشریح در تدریس، اهمیت بسیار دارد و تأثیر این وسایل در یادگیری، امری قطعی است. داستان‌گویی که در ردیف وسایل توضیح و تشریح مطرح است، به تثبیت و افزایش معلومات کودکان و نوجوانان کمک می‌کند و به دلیل اینکه با طبیعت کودک نزدیکی دارد، موضوع مطالب را جالب و دوست‌داشتنی نموده و با تحریک امیال طبیعی آنان و عواطفشان رغبت ایجاد می‌نماید. همچنین آموزش از طریق قصه‌گویی مطالب را زنده، شوق‌انگیز و جذاب می‌کند و

به دلیل وجود رابط بین قصه گو و شنونده آموزش با محبت و صمیمیت متقابل توأم می گردد» (پشت‌دار، ۱۳۷۶: ۸۸).

«استفاده از داستان علاوه بر افزایش اطلاعات، در تربیت عقلی، اخلاقی و عاطفی و اجتماعی او مؤثر است، چرا که کودک و نوجوان در این رهگذر به سطحی از شناخت و آگاهی و درجه‌ای از تفکر و استدلال دست می‌یابد. همچنین بر اثر دنبال نمودن حوادث و ماجراها و همانندسازی با شخصیت‌های قصه، به تأثیرپذیری عاطفی و اخلاقی نائل می‌آید. این امر می‌تواند در جهت‌گیری انسانی، تعهدات اخلاقی و اجتماعی او مؤثر باشد» (میرزاییگی، ۱۳۷۰: ۳۹).

«واقعیت‌درمانی به صورتیکه گلاسر در جدیدترین کتاب‌های خود شرح داده است (Glasser 1998؛ Glasser 2003؛ Glasser 2000)، بر نظریه انتخاب استوار است» (کری، ۱۳۹۰: ۲۲).

«از آنجا که گلاسر در نظر دارد میزان مسئولیت انسان را در قبال خویش تا جایی که ممکن است افزایش دهد و نظریه کنترل در این زمینه واقعیت‌درمانی وی را ارضا نمی‌کند، گلاسر از این فراتر می‌رود و در سال 1998 در کتاب نظریه انتخاب، روان‌شناسی نوین آزادی شخصی، عقایدش را در مورد رفتار بشر و عوامل برانگیزاننده آن توضیح می‌دهد. انسان‌ها غالباً بدون آنکه آگاه باشند رفتارهایی را انتخاب می‌کنند که با آن رفتارها دنیای بیرون از خودشان را برای مطابقت با تصویرشان از نیازشان تغییر دهند» (شارف، ۱۳۹۰: ۱۳).

«کودک هنگام خواندن داستان‌های مناسب و متناسب با نیازهای خود، با شخصیت‌های اصلی و گاهی فرعی داستان‌ها همانندسازی می‌کند و به ارزیابی شخصیت‌ها بر اساس کنش‌ها و واکنش‌های آن‌ها در هنگام برانگیختگی نیازهای خویش می‌پردازد. گاهی در این فرایند انگیزش‌ها و رفتارهایش را با شخصیت داستان مقایسه می‌کند و گاهی در انتخاب‌های خود بازنگری می‌کند این روند همچنان ادامه پیدا می‌کند و کودک با خواندن هر داستان تأثیر دیگری می‌پذیرد و این تأثیرات بی‌تردید بسیار بیشتر از آموزش مستقیم یک معلم است. پس با خواندن داستان‌های مناسب و متناسب با نیازهای کودک و نوجوان، شخصیت او شکل و جهت

می‌گیرد؛ پس کودک با خود می‌گوید وقتی یک قهرمان چنین عملی را انجام می‌دهد. من نیز باید انجام دهم تا بتوانم یک قهرمان باشم. تصاویر این شخصیت‌های محبوب در دنیای کیفی کودک ثبت می‌شود. در حقیقت، کودک قدرت تجزیه و تحلیل اندکی دارد و نمی‌تواند به خوبی به ارزیابی عملکرد پردازد، بلکه تنها نتیجه را می‌بیند» (Glasser, 1985: 21).

«نظریه انتخاب، روانشناسی کنترل درونی است. این نظریه توضیح می‌دهد که ما چطور و چرا انتخاب‌هایی را که مسیر زندگی را تعیین می‌کنند، می‌گزینیم» (گلاسر، ۱۳۹۰: ۵۱).

«تئوری انتخاب، مفهوم و ریشه رفتار را در اینجا می‌بیند و می‌گوید انسان هر فکر و احساسی و کاری که انجام می‌دهد، برای برآورده کردن نیازهایش است. تئوری انتخاب می‌گوید که ماهیت انسان به گونه‌ای است که خودش رفتار خودش را انتخاب می‌کند و با تئوری‌های جبرگرایانه تفاوت دارد که می‌گویند رفتار به وسیله کشمکش‌های ناهوشیاری و محرک‌های صرف بیرونی ایجاد می‌شود» (بخارایی، ۱۳۸۵: ۳۹).

«گلاسر در ابتدا دو نیاز اساسی و بنیادین را شناسایی کرد: نیاز به دوست داشتن و دوست داشته شدن و نیاز به احساس ارزشمندی، چه در رابطه با خود و چه در رابطه با دیگران. اگرچه این دو نیاز هم جدا هستند، اما معمولاً وابسته به هم عمل می‌کنند» (شیلینگ، ۱۳۹۰: ۱۷).

گلاسر بعداً این دو نیاز اساسی را به پنج نیاز اساسی گسترش داد که عبارت‌اند از: نیاز به بقاء، نیاز به عشق و تعلق خاطر، نیاز به قدرت، نیاز به آزادی و نیاز به تفریح.

در نظریه انتخاب، ساختار مرکزی (نظام کنترلی موجود زنده)، مغز است. گلاسر در سال ۱۹۹۰ کارکرد روان یا فرآیند ارضای نیاز را از طریق ساختار مجازی یک خودرو تفهیم کرد؛ در این مثال، «نیازهای اساسی همانند موتور خودروست که با خواسته‌های منحصر به فرد انسان، خودرو را می‌راند. چرخ‌های خودرو عناصر اصلی رفتار هستند، چرخ‌های جلویی فکر و عمل، چرخ‌های عقبی احساس و فیزیولوژی هستند مثال خودرو بر این باور فلسفی که رفتار، رفتار کلی هدفمند است تأکید دارد، تمام این چهار مؤلفه باهم دیگر کار می‌کنند تا

کاری به پایان رسد: ارضای نیازها در جهت تحقق اهداف آلبوم تصاویر ذهنی فرد هدایت می‌شود (فرخ‌زاد، ۱۳۹۱: ۴۳).

در واقع گلاسر معتقد است تمامی مشکلات دیرپای روانی افراد، متأثر از روابط ناسالم آن‌ها برای کنترل دیگران است. طبق تئوری انتخاب برای تأمین نیازهای یکدیگر هفت عادت مهرورزی را می‌توان جایگزین عادات مخرب خود کرد که عبارت‌اند از؛ گوش سپردن، حمایت، تشویق، احترام، اعتماد، پذیرش و گفتگوی.

۵. بحث و بررسی

در ادامه این جستار، به جمع‌آوری داده‌های پژوهش از ۹ داستان کتاب‌های فارسی پایه‌های هفتم، هشتم، نهم و شخصیت‌های داستانی آنها بر اساس مؤلفه‌های مطرح در نظریه انتخاب گلاسر و سپس تحلیل و تفسیر اطلاعات، ارائه نتایج و در عین حال، نقد و بررسی یافته‌ها و ارائه دستاوردها خواهیم پرداخت.

۱-۵. چشمه معرفت

در خصوص داستان چشمه معرفت، اثر علی شریعتی، از قبل نیز انتظار می‌رفت که شخصیت اصلی داستان مثبت و اثرگذار باشد؛ نویسنده داستان که خود دارای شخصیتی دین‌باور، اجتماعی و میهن‌دوست است، با توجه به شناختی از دردها و رنج‌های مردم دارد، در نوشته هایش سعی دارد، جوانان را با خویشتن خویش، آشنا سازد و از راه تدبیر و تفکر به فرهنگ و تمدن گذشته نظری داشته باشند و در کتاب کویر خود که داستان چشمه معرفت از آن کتاب انتخاب شده است، به بیان دردهای عمیقش از زندگی و هستی می‌پردازد.

از دیگر اهداف داستان چشمه معرفت، می‌توان به تقویت توجه به آفرینش و زیبایی‌های طبیعت، پرورش نگاه‌های کنجکاوانه و دقیق، پرورش روحیه معرفت‌جویی و توجه به خالق زیبایی‌ها، ایجاد انگیزه نسبت به درک و فهم زیبایی‌های طبیعت است. به عبارتی در داستان چشمه معرفت می‌توان بیان کرد که یک داستان مناسب و شایسته برای کودکان و دانش‌آموزان این مقطع تحصیلی بوده است که با زبانی توصیفی و کلام پراحساس به بیان

زیبایی خلقت و آفرینش جهان می‌پردازد. دو نیاز اصلی نظریه گلاسر در این داستان مشاهده شد که یکی نیاز به عشق و تعلق خاطر و دیگری نیاز به تفریح بوده است. عشق در سرتاسر وجود راوی داستان حس می‌شود و او با توجه به زیبای آفرینش این نیاز را ارضا می‌نماید. نیاز دوم که شخصیت داستان به دنبال کسب آن است، نیاز به تفریح است. در این داستان تفریح، به عنوان بازی و سرگرمی خاص خود را داشتن، مطرح نیست، بلکه لذت بردن راوی داستان از طبیعت و دیدن محبت خداوند در آنان نمونه‌هایی از فعالیت‌های فرح‌بخش و شادی‌آور است. از نظر گلاسر، علاقه‌مندی یا هیجان‌زده شدن در خصوص فعالیت‌های روزانه، نیز از نیاز به تفریح نشأت می‌گیرد. همچنین او معتقد است که تفریح پاداش درونی یادگیری است. از آنجایی که شخصیت اصلی داستان یک شخصیت مثبت و شایسته دارد، دانش آموز می‌تواند به خوبی با آن ارتباط برقرار کند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که داستان چشمه معرفت یک داستان مفید برای کودکان و دانش‌آموزان است و از طرفی، شخصیت اصلی داستان نیز روش مناسبی را برای تامین نیاز خود انتخاب نموده است و به نتایج مطلوبی در جهت تحقق این نیازها دست یافته و در نهایت، اثرات مطلوبی را در جهت ارضای دو نیاز عشق و تعلق خاطر و نیاز به تفریح به خواننده منتقل نماید.

۱-۵ شخصیت‌های داستانی حکایت چشمه معرفت بر اساس نظریه انتخاب ویلیام گلاسر		
ردیف	نیازها	شخصیت داستانی
۱	نیاز به بقاء	-
۲	نیاز به عشق و تعلق خاطر	راوی داستان شریعتی (در سرتاسر داستان عشق به خداوند)
۳	نیاز به قدرت	-
۴	نیاز به آزادی	-
۵	نیاز به تفریح	راوی داستان شریعتی

۲-۵. کژال

دومین داستان مورد مطالعه، داستان کژال بود که در آن سه نیاز عشق و تعلق خاطر، نیاز به آزادی و نیاز به بقا مشاهده شد. این نیازها توسط شخصیت‌های مختلف داستان مورد توجه بوده است. در داستان کژال، تمایل به مراقبت و حمایت از سمت مادر روناک، نشان از عشق

و تعلق خاطر وی به فرزندش داشت؛ صدا زدن همسر و درخواست حمایت از او نشان از عشق کژال نسبت به هه ژوار دارد. در آغاز داستان نیز، راوی صحنه‌هایی از مهر مادری کژال به فرزندش را توصیف می‌کند که نشان از تعلق خاطر و عشق است. شخصیت کژال با جنگیدن برای نجات روناک عشق خود را به او نشان می‌دهد. نیاز به استقلال و خود مختاری، انتخاب نمودن، کاوش و بیان آزادانه خویشتن، داشتن فضای کافی جهت تحرک و احساس انتخاب، تعیین‌کننده و خواست و اراده آزاد و تمایل به زیستن به شیوه خود، همه جنبه‌هایی از نیاز به آزادی می‌باشند که در داستان مشاهده می‌شوند. در قسمتی از داستان که آزاد شتابان به سمت گرگ حرکت می‌کند و روناک را از دهان گرگ بیرون می‌کشد و او را بر زمین می‌گذارد؛ اما گرگ با آزاد گلاویز می‌شود. هرچند که خود نیز در این درگیری زخم فراوان برمی‌دارد اما همه تلاشش را برای نجات کژال و روناک انجام می‌دهد هم نیاز به آزادی و هم بقاء مشاهده شد. در این داستان هم کژال و هم آزاد جوان، هر دو به دنبال آزادی هستند. نیاز بعدی که در داستان و در شخصیت‌های داستان مورد توجه بوده است نیاز به بقا است. در سرتاسر داستان کژال شاهد جنگیدن وی برای بقا خود و نوزادش روناک بودیم، همچنین در آخر داستان کژال در مورد بقاء آزاد نگران است و راه رفته را به خاطر نگرانی در مورد زندگی آزاد برمی‌گردد؛ از طرفی آزاد در قسمت اول داستان با انتخاب جنگیدن با گرگ از نیاز به بقا خود می‌گذرد و دنبال تداوم بقای کژال و روناک است که این درس فرهنگ ایثار و دفاع از ناموس و وطن را به دانش‌آموزان پایه هفتم آموزش می‌دهد. بر اساس آنچه در داستان کژال اتفاق افتاد می‌توان بیان کرد که این داستان بسیار موثر بوده است و شخصیت‌های داستان کژال و آزاد در جاهای مختلف در خصوص تامین نیازها و نجات یکدیگر تلاش کرده‌اند. نیاز به عشق و تعلق خاطر در این داستان به دو شکل عشق و تعلق خاطر به خداوند که توسط شخصیت آزاد نشان داده شده است و عشق و تعلق خاطر به انسان و غیر خداوند که توسط کژال به فرزند و همسرش نمایان بود؛ هر دو این نیازها شایسته و پسندیده است گرچه عشق و تعلق خاطر به خداوند بسیار والاتر است. نیاز به آزادی و تفریح نیز توسط دو شخصیت کژال و آزاد مد نظر بوده است.

۲-۵- شخصیت‌های داستانی داستان کژال بر اساس نظریه انتخاب ویلیام گلاسر		
ردیف	نیازها	شخصیت داستانی
۱	نیاز به بقاء	کژال (بقای خود، روناک، آزاد) - آزاد (بقای خود، روناک، کژال)
۲	نیاز به عشق و تعلق خاطر	کژال (روناک، هه زار) - آزاد (خداوند)
۳	نیاز به قدرت	-
۴	نیاز به آزادی	کژال - آزاد
۵	نیاز به تفریح	-

۳-۵. قلب کوچکم را به چه کسی بدهم؟

شخصیت داستانی قلب کوچکم را به چه کسی بدهم کودک خردسال و بی‌نام بود و هر پنج نیاز شامل نیاز به بقاء، نیاز به عشق و تعلق خاطر، نیاز به قدرت، نیاز به آزادی و نیاز به تفریح در شخصیت داستانی آن دیده شد. کودک در بخشی از داستان می‌گوید سعی کردم این عمومی پدرم را هم ببرم توی قلبم و یک گوشه بهش جا بدهم و در بخشی دیگر می‌گوید تا وقتی توی قلبم جا هست، باید آن را ببخشم به آدم‌های خوب و مهربان. کار قلب بخشندگی است و انسان باید همواره محبت و دوستی را در درون خود تقویت کند و به دیگران عشق بورزد که همه این گفته‌ها نیاز به عشق و تعلق خاطر را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه نیاز عشق و تعلق خاطر یک نیاز دوطرفه است، در نتیجه انسان در خانواده، مدرسه، محیط کار، اجتماع، گروه‌های مذهبی به دنبال ارضای نیاز به دوست داشتن و دوست داشته شدن است. دغدغه شخصیت اصلی داستان برآورده‌سازی نیاز به عشق و احساس تعلق است. نیاز به بقا و زنده ماندن در داستان قلب کوچکم را به چه کسی بدهم به دو شکل؛ الف) عمومی کودک به شدت در فکر برآورده‌سازی نیاز خود به دارایی و ثروت است تا آنجا که نیاز به تعلق از سوی او نادیده گرفته می‌شود. نویسنده این شخصیت را بدین گونه به تصویر می‌کشد که کودک با زحمت سعی دارد عمومی پدرش را در قلبش جای دهد اما این کار امکان‌پذیر نیست؛ چون حفظ پول برای عمویش ضروری‌تر از تأمین احساس تعلق بود. این موضوع به ناهمخوانی و شدت نیازهای کودک و عمومی پدرش ارتباط دارد و ب) در بخشی از داستان کودک تصمیم می‌گیرد بخشی از قلبش را به آن‌هایی بدهد که برای دفاع از میهن جان خود

را فدا کردند. به عبارتی در این داستان نویسنده در این بخش به کسانی اشاره دارد که در تقابل با عمومی پدر کودک در دنیای کیفی‌شان هستند؛ گروهی که حفظ امنیت و حیات مردم و نیز بقای کشورشان را بر بقای خود ترجیح می‌دهند. نیاز به قدرت و پیشرفت نیز در داستان قلب کوچکم را به چه کسی بدهم مورد توجه واقع شده است. نیاز به آزادی نیز در این داستان مورد توجه بود. آخرین نیاز، نیاز به تفریح بود که تنها در یک بخش از این روایت مصداقی از نیاز به تفریح مشاهده شد؛ وقتی راوی، پدر و مادر و سایر اقوام خود را در خانه قلبش جای می‌دهد، همه در کنار هم شاد و خندان هستند و از دیدگاه گلاسر، بهترین نشانه تفریح و نشاط خنده است. بنابراین به نظر می‌رسد در تمام بخش‌های داستان و شخصیت‌های داستان به جز شخصیت عمومی کودک در بیشتر موارد نیاز مثبتی برگزیده شده است و شخصیت‌های داستان به نحو مطلوبی نیاز مورد نظر را برآورده کرده است و این داستان مناسب دانش آموزان و کودکان خواهد بود. از آنجایی که شخصیت اصلی داستان کودک است به نظر می‌رسد دانش آموزان بهتر از سایر داستان‌های مورد بررسی می‌توانند با آن ارتباط برقرار نمایند و همذات‌پنداری خوبی با داستان و شخصیت آن خواهد داشت.

۳-۵ شخصیت‌های داستانی داستان قلب کوچکم را به چه کسی بدهم بر اساس نظریه انتخاب ویلیام گلاسر

ردیف	نیازها	شخصیت داستانی
۱	نیاز به بقاء	نویسنده (کودک بی‌نام)
۲	نیاز به عشق و تعلق خاطر	نویسنده (کودک بی‌نام)
۳	نیاز به قدرت	نویسنده (کودک بی‌نام)
۴	نیاز به آزادی	نویسنده (کودک بی‌نام)
۵	نیاز به تفریح	نویسنده (کودک بی‌نام)

۴-۵. سفرنامه اصفهان

سفرنامه اصفهان داستانی با زبان طنز، گفتارهای عامیانه و نثر ساده و روان است و همین سادگی و روانی داستان است که شور و اشتیاق و احساس درونی قهرمان داستان را بازگو می‌کند. نویسنده با کمک شخصیت‌پردازی و انتخاب زاویه دید مناسب و لحن عامیانه به

مخاطب امکان لذت بردن از داستان را می‌دهد. تمامی انسان‌ها تمایل به داشتن لحظاتی شیرین و لذت‌بخش دارند که به آن‌ها حس و انرژی مثبت تلقی کند؛ نیاز به تفریح یکی از نیازهای اساسی برای داشتن زندگی مطلوب و خوشایند است. در سرتاسر داستان شاهد اشتیاق مجید برای دیدن اصفهان و مکان‌های تاریخی بودیم که حاکی از اشتیاق و لذت تفریح در او است؛ هرچند در دیدن اماکن ناموفق بود اما مجید این نیاز را با نوشتن سفرنامه خود رفع نمود. همچنین طبق نظر گلاسر، خنده و شوخی نشان از نیاز به تفریح در افراد است که در شخصیت فرعی داستان (کارگر تعمیرگاه) شاهد آن بودیم.

نیاز به احساس تعلق و پیوند عاطفی داشتن با دیگر افراد، نیازی است که در انسان‌ها وجود دارد. گلاسر در مفهوم سلامت روانی فرد به اهمیت روابط متقابل بین افراد تأکید دارد. به اعتقاد گلاسر، نیاز به تعامل با دیگران و داشتن رابطه صمیمانه یکی از نیازهایی است که باعث صدور رفتار در ما می‌شود. مجید با تقدیم سفرنامه خود به بی‌بی و اکبر آقای شوfer، تعلق خاطر خود را به آنان نشان داد؛ همچنین در شخصیت اکبر آقای شوfer، شاهد تعلق خاطر وی به همسرش هستیم که به خاطر این نیاز از تفریح خود می‌گذرد. در واقع نیاز به عشق و تعلق خاطر در شخصیت وی از نیاز به تفریح غالب‌تر بوده است. احساس تعلق خاطر و علاقه داشتن به بی‌بی تصویری از دنیای مطلوب مجید است که یکی از اهداف نوشتن سفرنامه‌اش هدیه آن به بی‌بی است.

۴-۵ شخصیت‌های داستانی سفرنامه اصفهان بر اساس نظریه انتخاب ویلیام گلاسر		
ردیف	نیازها	شخصیت داستانی
۱	نیاز به بقاء	-
۲	نیاز به عشق و تعلق خاطر	مجید - اکبر آقا
۳	نیاز به قدرت	-
۴	نیاز به آزادی	-
۵	نیاز به تفریح	مجید - اکبر آقا - کارگرهای تعمیرگاه

۵-۵. آقا مهدی

قهرمان و شخصیت اصلی این روایت شهید مهدی باکری است که یک الگوی مناسب و

شایسته می‌تواند باشد. نویسنده با لحنی توصیفی و روایتی جاذبه و کشش را به داستان خود داده و این گیرایی و کشش را به خواننده منتقل کرده است. نامه‌های امیدبخش دانش‌آموزان بخشی از نیازهای دانش‌آموزان را ارضا می‌کند. مصادیقی از تلاش برای برآورده‌سازی نیاز به احساس تعلق بیشتر در شخصیت‌های داستان دیده شده بود که در نهایت بر دانش‌آموزان تاثیر قابل توجه دارد. از طرفی نیاز به تفریح نیز در این داستان دیده شده است. همه این موارد حاکی از این است که داستان مناسب و گیرا است و تاثیر قابل توجه بر کودکان و دانش‌آموزان دارد.

این روایت، از آغاز تا پایان، بر صفحه زندگی سربازان، گسترده شده است. نویسنده در شروع داستان، با فضاسازی مناسب، به معرفی شرایط سربازان و شرایط جنگی می‌پردازد. آنچه در سر سفره‌های سربازان به عنوان سین‌های سفره هفت‌سین است، همگی نشان‌دهنده شرایط جنگی است. تمامی متن بر تلاش سربازان برای ادامه بقای خود اشاره دارد که در جایی از داستان با نامه‌های امیدبخش دانش‌آموزان بخشی از این نیاز ارضا می‌گردد. مصادیقی از تلاش برای برآورده‌سازی نیاز به احساس تعلق بیشتر در آقا مهدی و سربازان نسبت به دانش‌آموزان دیده می‌شود.

همچنین همدردی دانش‌آموزان با سربازان و حس تنفر آنان نسبت به نیروهای دشمن و کشیدن نقاشی‌هایی بر ضد آنان نمونه رفتارهایی است که آن‌ها را بیشتر به سربازان پیوند می‌داد.

۵-۵ شخصیت‌های داستانی آقا مهدی بر اساس نظریه انتخاب ویلیام گلاسر		
ردیف	نیازها	شخصیت داستانی
۱	نیاز به بقاء	سربازها - آقا مهدی
۲	نیاز به عشق و تعلق خاطر	آقا مهدی - سربازها
۳	نیاز به قدرت	-
۴	نیاز به آزادی	سربازها - آقا مهدی - دانش‌آموزان
۵	نیاز به تفریح	سربازها

۵-۶. جوانه و سنگ

داستان جوانه و سنگ شرح و روایت جوانه‌ای را بیان می‌کند که در دل کویر و زمینی خشک

در کنار یک سنگ می‌روید و شکوفا می‌شود و در طلب آب از سنگ کمک می‌خواهد اما در آن زمین خشک، آبی پیدا نمی‌شود با این وجود سنگ در تلاش و تکاپو است تا برای جوانه کوچک آب بیاورد. تلاش برای برآورده سازی نیاز به بقا جوانه در داستان مشاهده شد. رفتار سنگ با جوانه و تلاش وی برای یافتن آب برای جوانه و در نهایت شکافته شدن سنگ یک رفتار کلی بود که می‌تواند مصادیقی از تلاش برای ارضای نیاز به عشق و احساس تعلق باشد. مایوس کردن سنجاقک، جوانه و سنگ، از سرازیر شدن آب و سیراب کردن جوانه، یک نوع بدرفتاری مبتنی بر قدرت است که در رفتار برتری جویانِ مرداب متجلی است. رفتار کلی سنگ در داستان، یعنی تلاش برای رها کردن نقش اجباری سنگ بودن و تمایل برای سیراب کردن جوانه، مبتنی بر میل به خودمختاری و استقلال در انتخاب شیوه زندگی و برآوردن نیاز اساسی احساس تعلق بود. می‌توان گفت در واقع که سنگ یک شیء تحت کنترل نقش‌های تحمیل شده نبود و خود را از نقش سنگ بودن رها ساخته بود و قلب وی از مردابی که بی‌حرکت مانده بود زلال تر بود که تمامی این موارد حاکی از مناسب بودن این داستان در بخش کودکان و دانش آموزان این مقطع است.

پیرنگ داستان مورد بحث بر بستری از گفت‌وگوها و رفتارهایی گسترده شده است که منشأ اصلی بروز آن‌ها، تلاش برای برآورده سازی نیاز به بقا جوانه است.

همچنین نویسنده ضمن فضا سازی مناسب، نحوه سر از خاک بیرون آوردن جوانه و به روش مستقیم و نیز غیرمستقیم از طریق به نمایش گذاشتن مرگ جوانه در نزدیکی مرداب و رفتار شخصیت‌های فرعی، تمایز آن‌ها را در نحوه برآورده سازی نیاز به بقا و زنده ماندن بیان می‌کند. رفتار سنگ با جوانه و تلاش او برای یافتن آب برای جوانه و در نهایت شکافته شدن سنگ، می‌تواند مصادیقی از تلاش برای ارضای نیاز به عشق و احساس تعلق باشد که بیشتر در نیمه اول و انتهای این داستان دیده می‌شود. رفتار کلی سنگ، یعنی تلاش برای رها کردن، نقش اجباری سنگ بودن و تمایل برای سیراب کردن جوانه، مبتنی بر میل به خودمختاری و استقلال در انتخاب شیوه زندگی و برآوردن نیاز اساسی احساس تعلق است. می‌توان گفت در

واقع که سنگ یک شیء تحت کنترل نقش‌های تحمیل شده نبود و خود را از نقش سنگ بودن رها ساخته بود و قلب وی از مردابی که بی حرکت مانده بود زلال‌تر بود (نیاز به آزادی).

۶-۵ شخصیت‌های داستانی جوانه و سنگ بر اساس نظریه انتخاب ویلیام گلاسر		
ردیف	نیازها	شخصیت داستانی
۱	نیاز به بقاء	جوانه - جوانه مرده
۲	نیاز به عشق و تعلق خاطر	سنگ - جوانه - سنجاقک
۳	نیاز به قدرت	مرداب
۴	نیاز به آزادی	+
۵	نیاز به تفریح	-

۷-۵. شوق آموختن

در این داستان راوی در آغاز شرحی از وضعیت اسرا و فعالیت‌هایی را که پنهانی و به دور از چشم دشمن انجام می‌دادند، بیان می‌کند و در این بین قدرت و روحیه تسلیم‌ناپذیر مردان راه حق را بازگو می‌کند. در این داستان سربازان ایرانی علاوه بر آموختن، به مسئله ورزش هم اهمیت می‌دادند (نیاز به بقاء). در این داستان خواندن و نوشتن سربازان فرصت مناسبی برای بروز اندیشه انتخاب‌ها و خواست‌های آنان بود که گاه از طرف سربازان و مأموران دشمن مورد تهدید قرار می‌گیرد و در نهایت حسین‌علی و دوستش با امید، جرئت و پشتکار بر کنترل‌های بیرونی فایق می‌آیند و حسین‌علی موفق می‌شود خواندن و نوشتن بیاموزد که نویسنده نیاز به آزادی را در این داستان به خوبی مورد توجه قرار داده بود (بنا بر نظریه انتخاب در معنای امکان و توانایی انتخاب کردن بیان آزادانه خود و احساس عدم محدودیت و اجبار در تعیین انتخاب‌ها و نیز داشتن اراده آزاد است). نیاز به عشق و تعلق نیز در این داستان به خوبی مورد توجه واقع شده است. پافشاری سربازان ایرانی برای تحصیل و پافشاری حسین‌علی به آموختن نیز در جاهای مختلف داستان نیاز به قدرت را مورد توجه قرار داده است. گرچه نیاز به قدرت می‌تواند یک فاکتور منفی هم در نظر گرفته شود، اما در این داستان به شکل مطلوب و مثبت ارائه شده بود. در این داستان تفریح سربازان ایرانی، نامه نوشتن برای خویشاوندان خود بود است. همچنین خواندن و نوشتن برای سربازان ایرانی نوعی

شادی و از سر لذت بوده است که در راه ارضای این نیاز، مانعی به نام مأموران دشمن وجود داشته است. در داستان از تمایل سربازان ایرانی برای یادگیری علوم مختلف گفته شد که در نهایت آنان با آموزش حروف الفبا بر روی خاک و یا استفاده از نشریات این نیاز را برطرف می‌کردند که نشان می‌دهد این داستان نیاز به تفریح را مورد توجه قرار داده است و بیان داشته است از روش‌های مختلف حتی با نوشتن می‌توان به آن دست یافت. این موارد همگی دلیلی بر مناسب بودن داستان شوق آموختن برای این رده سنی بود.

۵-۷. شخصیت‌های داستانی شوق آموختن بر اساس نظریه انتخاب ویلیام گلاسر		
ردیف	نیازها	شخصیت داستانی
۱	نیاز به بقاء	سربازان - حسینی
۲	نیاز به عشق و تعلق خاطر	سربازان - حسینی
۳	نیاز به قدرت	سربازان - حسینی
۴	نیاز به آزادی	سربازان - حسینی
۵	نیاز به تفریح	سربازان - حسینی

۸-۵. زن پارسا

در داستان زن پارسا اینکه شخصیت داستانی نیاز به آزادی خود را از خداوند طلب می‌کند کودک متوجه می‌شود که آزادی را خدا می‌دهد پس باید آزاده باشد. در واقع نیاز قالب در شخصیت رابعه عشق و علاقه است که با در خدمت خداوند بودند این نیاز رفع می‌گردد. نویسنده، زندگی سخت و پرمشقت خانواده‌ای فقیر را به تصویر می‌کشد که حتی چراغی در خانه برای روشنایی نداشته‌اند که به خوبی نیاز به بقا و زنده ماندن را به تصویر کشیده است. گرچه در این داستان به نیازهای دیگر توجهی نشده است اما به خوبی نیاز به عشق و علاقه و همچنین نیاز به بقا و زنده ماندن به تصویر کشیده است.

در داستان زن پارسا سطر؛ «پس رابعه به خانه رفت و دائم روزه داشتی و همه شب نماز کردی...» به خوبی نشان‌دهنده عشق و علاقه رابعه به خداوند بوده است که این عشق و علاقه دوجانبه و دوطرفه بوده است و خداوند با محفوظ نگه داشتن او از دزد، این علاقه را پاسخ داده است. در خصوص این نیاز طبق بیان گلاسر باید گفت که ملاک سنجش آن، محبتی

است که ابراز می‌کنیم و نه محبتی که دوست داریم دریافت کنیم. کسی که بیشتر محبت می‌کند، نیاز به عشق و تعلق خاطر در او بیشتر است؛ بنابراین شب‌بیداری و دعای رابعه و نادیده گرفتن درد دست، خود می‌تواند نشان از میزان عشق زیادی باشد که از سوی خداوند طالب است؛ اینکه شخصیت داستانی نیاز به آزادی خود را از خداوند طلب می‌کند کودک متوجه می‌شود که آزادی را خدا می‌دهد، پس باید آزاده باشد. در واقع نیاز قالب در شخصیت رابعه، عشق و علاقه است که با در خدمت خداوند بودند، این نیاز مرتفع می‌گردد.

حلقه بعدی زنجیره زندگی رابعه، تهیدستی است که تحت سلطه ارباب قرار دارد. نویسنده برای رهایی از دست ظالم که ارباب او است به خداوند پناه می‌برد و سلامت و امنیت خود را در خدمتگزار خداوند بودن می‌داند (نیاز به بقاء و زنده ماندن).

۵-۸. شخصیت‌های داستانی زن پارسا بر اساس نظریه انتخاب ویلیام گلاسر		
ردیف	نیازها	شخصیت داستانی
۱	نیاز به بقاء	-
۲	نیاز به عشق و تعلق خاطر	رابعه - خداوند
۳	نیاز به قدرت	-
۴	نیاز به آزادی	رابعه
۵	نیاز به تفریح	-

۵-۹. شازده کوچولو

برخی از داستان‌ها به مرتبه‌ای می‌رسند که فرهنگ‌ساز می‌شوند و بخشی از فرهنگ بشری را می‌سازند. از جمله این داستان‌ها می‌توان به اثر بزرگ شازده کوچولو اشاره کرد. با تحلیل دیالوگ‌ها مشخص می‌شود که شازده کوچولو ابتدا از ضمائر جمع برای خطاب قرار دادن خلبان استفاده می‌کند، اما به مرور در این رابطه ضمیر تو و افعال دوم شخص مفرد جایگزین می‌شوند که نشان‌دهنده احساس صمیمیت و دوستانه‌ای است که شازده کوچولو نسبت به خلبان پیدا کرده است. شازده کوچولو احساساتش را به راحتی بروز می‌دهد لحن او در مقابل خلبان دوستانه است و در بیان و اظهار حالات عاطفی‌اش، صمیمی و آزاد است.

نیاز به احساس تعلق و پیوند عاطفی با دیگر افراد، نیازی است که در همه انسان‌ها وجود

دارد، گلاسر در مفهوم سلامت روانی فرد به اهمیت روابط متقابل بین افراد تأکید دارد. به اعتقاد گلاسر، نیاز به تعامل با دیگران و داشتن رابطه صمیمانه یکی از نیازهایی است که باعث صدور رفتار در ما می‌شود. در داستان شازده کوچولو، شخصیت روباه در برخورد با شازده کوچولو توصیفی از عشق و علاقه واقعی را بازگو می‌کند. نشان از این نیاز در شخصیت روباه بود که با اهلی شدن توسط شاهزاده این نیاز رفع گردید. روباه ارزش‌های مهم و احساسات سطح بالا را به شازده کوچولو می‌آموزد. این بخش از داستان اشاره به اصل چهار از نیازهای اساسی گلاسر داشت که بیان می‌دارد مشکلات عاطفی، بخشی از زندگی حال حاضر ما هستند.

زمانی که پسرک در خواب فرورفته است و راوی به دنبال چشمه‌ای است، با خود می‌گوید: چیزی که از وجود این شاهزاده، مرا تا این درجه مفتون خود می‌سازد، وفای او نسبت به گل است و این تصویر آن گل سرخ که در وجود او، حتی به هنگام خواب نیز همچون شعله چراغ می‌درخشد. نیاز به عشق و تعلق خاطر در وجود شاهزاده به گل سرخ خود به قدری بوده است که راوی داستان حتی به هنگام خواب شازده کوچولو این نیاز را در سرتاسر وجود شازده کوچولو حس می‌کند.

سومین نیاز بیان‌شده از ویلیام گلاسر، نیاز به قدرت است که اشخاصی که به دنبال ثروت هستند با این نیاز برانگیخته می‌شوند. کارفرما برای به دست آوردن ثروت، رفتارش را به گونه‌ای تنظیم کرده بود که به دیگر مسائل بی‌اهمیت باشد و فقط تمرکز خود را به شمردن ستاره‌ها (که البته آن‌هم بی‌فایده بود) متمرکز نماید. در واقع توانایی انجام موفقیت‌آمیز برخی فعالیت‌ها، مثل شنا کردن یا پیاده‌روی نیز از زیرمجموعه‌های این نیاز محسوب می‌شود (در مورد کارفرمای داستان شازده کوچولو شمردن تمام ستاره‌ها). به‌رغم این که در آن‌ها رقابتی وجود ندارد، می‌تواند تابلویی از موفقیت و اعتماد به نفس در ذهن فرد تصویر کند. به عنوان یک فرد، نیاز ما به قدرت گاهی می‌تواند در تعارض مستقیم با نیاز ما به تعلق و صمیمیت قرار بگیرد. همان‌طور که در داستان مشاهده شد، نیاز به قدرت در کارفرما به قدری غالب بود که نیاز به عشق و صمیمیت با دیگران را نادیده می‌گرفت. ناکامی در به دست آوردن احساس خود ارزشمندی (که از نیاز به قدرت می‌آید)، ریشه بسیاری از مشکلات بوده و این مسئله در

رابطه با سال‌های اولیه زندگی که پایه و اساس خود ارزشمندی شکل می‌گیرد، جایگاه ویژه‌ای دارد و اهمیت آن هم برای معلمان و هم برای والدین روشن است. همچنین کارفرما، تمام لحظاتی را صرف اعداد ارقام و محاسبات سود و زیان می‌کند اما از یاد می‌برد که در نهایت این محاسبات برای چیست و چه هدفی دارد! در واقع عقلانیت و شناخت او نیز مسخره است زیرا خوشبختی او در محاسبات گم شده است. او حتی فرصت نیافته آسمان زیبا و ستاره‌های بالای سرش را نگاه کند. در این بخش از داستان به خوبی می‌توان یافت که نیاز غالب کارفرما نیاز به قدرت بوده است و او نه تنها از نیاز به عشق و صمیمیت دست کشیده است بلکه حتی نیاز به تفریح را در خود از بین برده است و تمام فکر و ذهن او رسیدن به ثروت و قدرت بوده است؛ بنابراین غالب‌ترین نیاز در وجود کارفرما نیاز به قدرت است که در هیئت مخرب و نامطلوب خود، به صورتی منفی و اما آموزنده به تصویر کشیده شده است.

۹-۵. شخصیت‌های داستانی شازده کوچولو بر اساس نظریه انتخاب ویلیام گلاسر		
ردیف	نیازها	شخصیت داستانی
۱	نیاز به بقاء	-
۲	نیاز به عشق و تعلق خاطر	آدمک - راوی داستان (خلبان) - روباه
۳	نیاز به قدرت	کارفرما
۴	نیاز به آزادی	-
۵	نیاز به تفریح	-

در نهایت می‌توان بیان کرد که داستان‌های مورد بررسی هر سه پایه به خوبی و به نحو مطلوبی نیازهای مربوط به نظریه گلاسر را مورد توجه قرار داده‌اند و طراحی مناسب داشته‌اند. اما برخی از نیازها را می‌توان با در نظر گرفتن یک داستان مکمل دیگر و همچنین زبان ساده تر و روان تر داستان‌های جایگزین نیز بهبود داد و نتیجه بهتری از اهداف نقل داستان در مدارس متوسطه اول و منابع و مواد آموزشی زبان و ادبیات فارسی در این دوره گرفت.

نتیجه

نظر به اهمیت کتاب درسی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزار آموزشی در امر آموزش نظام

متمركز کشور، برخوردارى از نظم و ساختار مناسب، كیفیت محتوای انتخاب‌شده و تحلیل این محتوا از اهمیت زیادى برخوردار است. نتایج حاصل از چنین تحقیقاتی موجب می‌گردد تا شناخت و آگاهی از شخصیت‌های مختلف در موقعیت‌های فرهنگى و اجتماعى و اقتصادى بالاتر رود و همچنین می‌تواند منجر به ارتقای مهارت و توانایی‌های فردى و اجتماعى، بهره‌ بیشتر از قوه تشخیص، تحلیل و بصیرت در انجام امور، مشارکت کامل در تصمیم‌ها و کنترل درونى افراد را در مواجهه با فشار روانى شود. همچنین با توجه به تغییر نظام آموزشى، کتاب‌های این دوره (متوسطه اول) تا حدودى نونگاشت می‌باشند و تحلیل و واکاوى آنها، می‌تواند مورد توجه متولیان نظام تعلیم و تربیت به منظور آگاهی از میزان دستیابى مواد درسى به اهداف تعریف شده قرار گیرد. همچنین تحلیل محتوای کتاب‌های درسى از سویی دیگر می‌تواند نقاط قوت و ضعف کتاب را به مؤلفان نشان دهد و در جهت تعالی و رفع نقص کتاب‌ها به کار آید و چراغى فراروى مؤلفان در تألیف، اصلاح و بهبود کتب درسى است. تحلیل محتوای متون ادبى موجود در کتاب‌های درسى می‌تواند این اطلاعات جانبى را برای مدرس فراهم کند و لایه‌های معنایی و ابعاد گوناگون متن را برای مدرس تبیین کند. به نظر، گلاسرهاى انسان‌ها برای ارضای نیازهای فطرى خویش، تصاویری در سرخود به وجود می‌آورند، آنها همپای ارضای نیازهای خود، تصاویری را از مردم، اشیاء یا رویدادها جمع می‌کنند این تصاویر به قول گلاسر در آلبوم عکس شخصى انسان‌ها جمع می‌شوند و در ادامه زندگى، به اهداف، افکار، اندیشه، شخصیت، سبک زندگى و... آنها، جهت می‌بخشند. در نهایت می‌توان بیان کرد که داستان‌های مورد بررسی هر سه پایه به خوبى و به نحو مطلوبی نیازهای مربوط به نظریه گلاسر را مورد توجه و تحت‌الشعاع قرار داده‌اند و انتخاب، طراحی و تدوین مناسبی داشته‌اند. اما برخى از نیازها را می‌توان با در نظر گرفتن یک داستان مکمل دیگر و همچنین زبان ساده‌تر و روان‌تر داستان‌های جایگزین، بهبود داد و نتیجه بهتری از اهداف نقل داستان در مدارس متوسطه اول گرفت. به منظور درک بهتر شخصیت‌های داستانى به کار گرفته شده در داستان‌های مورد بررسی بر اساس نظریه انتخاب ویلیام گلاسر، در جدول ۶-۱ و ۶-۲، اطلاعات مربوط به همه داستان‌های مورد بررسی در قالب جدول، تدوین و در اختیار

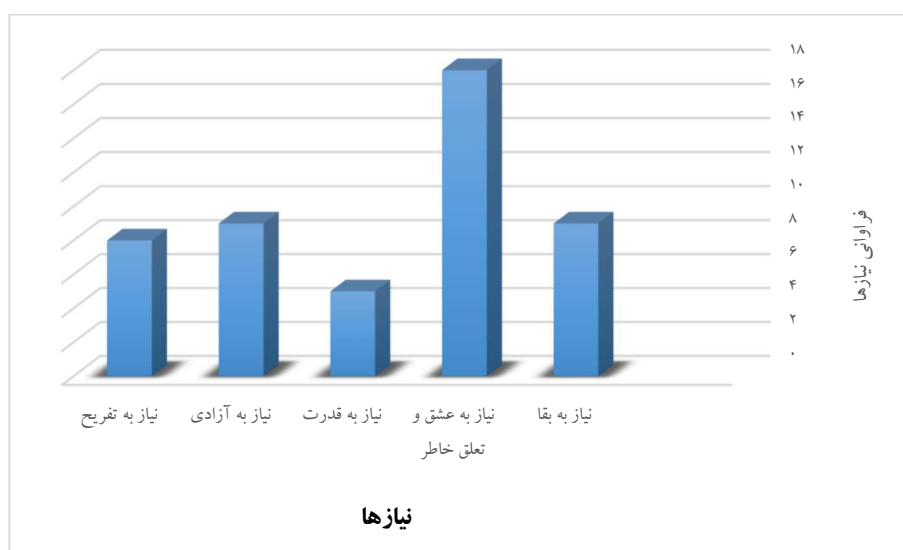
قرار می‌گیرد تا درک بهتری از هر نیاز در کتاب‌های متوسطه اول ایجاد گردد:

پایه نهم	پایه هشتم	پایه هفتم								
نیازها	شازده	زن شوق	جوانه و آقا	سفرنامه	قلب کژال	چشمه فراوانی	درصد			
نیاز به بقاء	۰	۰	۲	۲	۱	۰	۹	۱۸.۳۷٪		
نیاز به عشق و تعلق خاطر	۳	۲	۳	۲	۱	۲	۱۸	۳۶.۷۳٪		
نیاز به قدرت	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۵	۱۰.۲٪		
نیاز به آزادی	۰	۱	۲	۰	۱	۲	۹	۱۸.۳۷٪		
نیاز به تفریح	۰	۰	۲	۱	۱	۳	۸	۱۶.۳۳٪		
جمع کل							۴۹	۱۰۰٪		

۱-۶. تعداد کل شخصیت‌های داستانی داستان‌های مورد بررسی بر اساس نظریه انتخاب ویلیام گلاسر

بر اساس جدول ۵-۱ مشخص شد که از بین نیازهای مربوط به نظریه انتخاب ویلیام گلاسر در داستان‌های کتاب‌های متوسطه اول، نیاز به عشق و تعلق خاطر در اولویت بالاتری قرار داشته است و در تعداد شخصیت‌های بیشتری در مجموع سه پایه هفتم، هشتم و نهم به خود اختصاص داده است. علاوه بر این نتایج نشان داده است که نیاز به بقاء و نیاز به آزادی نیز هر کدام با ۹ شخصیت در مجموع در اولویت دوم قرار داشتند؛ پس از آن نیاز به تفریح ۸ شخصیت و در انتها نیز نیاز به قدرت با ۵ شخصیت قرار گرفته است. همچنین نتایج نشان داده است که نیاز به بقاء در شخصیت مربوط به ۵ داستان (کژال، قلب کوچک را به چه کسی بدهم، آقا مهدی، جوانه و سنگ، شوق آموختن) مورد توجه واقع شده است. نکته قابل توجه این است که نیاز به عشق و تعلق خاطر در هر سه پایه و در تمام داستان‌های مورد بررسی حداقل در یک شخصیت داستانی مورد توجه واقع شده است. نیاز به قدرت که در هر سه پایه تحصیلی فقط در ۵ شخصیت داستانی مورد توجه واقع شده است، در چهار داستان (داستان قلب کوچک در پایه هفتم؛ داستان جوانه و سنگ و شوق آموختن در پایه هشتم؛ شازده

کوچولو پایه نهم) مورد توجه بوده است. به عبارتی نیاز به قدرت کمتر در داستان‌های مقطع متوسطه اول مورد توجه بوده است و به همین دلیل داستان‌های کمتری را شامل شده است. نیاز به آزادی در ۵ داستان در هر سه پایه و جمعاً در ۹ شخصیت داستانی مورد توجه قرار گرفته است. نیاز به تفریح در پایه نهم مورد توجه نبوده است ولی در پایه‌های دیگر و جمعاً در هشت شخصیت داستانی مورد توجه بوده است:



۶-۲. فراوانی کل نیازهای مطرح در داستان‌های مورد بررسی بر اساس نظریه انتخاب ویلیام گلاسر

تعارض منافع

طبق گفته نویسنده، پژوهش حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع است.

منابع و مأخذ

- آچاک، ایوب. (۱۴۰۱). «نقش تربیتی ادبیات در کودک و نوجوان». هفتمین کنگره ملی فرهنگ و ادبیات فارسی. فراز اندیشان بوعلی سینا، همدان. صص ۳۹-۴۹.
- براهیمی، نسترن. (۱۳۸۷). «بررسی تأثیر آموزش انتخاب و کنترل گلاسر بر آزار عاطفه زوجین در شهر اصفهان». پایان نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی احمد احمدی. اصفهان: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
- بخارایی، مخصوص. (۱۳۸۵). «بررسی تاثیر مشاوره گروهی با رویکرد واقعیت درمانی بر کاهش تعارضات زناشویی زنانه خانه‌دار منطقه ۵ تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی فریده عامری. تهران: دانشگاه الزهرا.
- پشت‌دار، علی محمد. (۱۳۷۶). قصه‌گویی و نمایش خالق تهران: انتشارات پیام نور.
- راضی مرادی، محمد. اعتمادی، احمد. نعیم‌آبادی، الهام. (۱۳۸۹). «اثربخشی مشاوره گروهی بر اساس نظریه انتخاب ویلیام گلاسر با دانش آموزان قربانی قلدری، به‌منظور افزایش توان مقابله با رفتارهای قلدرانه». فصلنامه علمی مطالعات روان‌شناختی دانشگاه الزهرا تهران. سال پنجم. شماره ۴. صص: ۱۱-۲۸.
- شارف، ریچارد اس. (۱۳۹۰). نظریه مشاوره و روان‌درمانی. ترجمه مهرداد فیروز بخت. تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- شیلینگ، لوئیس. (۱۳۹۰). نظریه‌های مشاوره (دیدگاه‌های مشاوره). ترجمه سیده خدیجه آرین. تهران: اطلاعات.
- فرخ‌زاد، طناز. (۱۳۹۱). «بررسی مقایسه‌ای و رابطه بین سه نوع فاصله سنی بین زوجین، پنج نیاز اساسی گلاسر و سازگاری زناشویی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی مهرانگیز شعاع کاظمی. تهران: دانشگاه الزهرا.
- گروه مؤلفان. (۱۳۹۷). فارسی پایه هفتم متوسطه. چاپ ششم. تهران: انتشارات درسی وزارت آموزش و پرورش.
- گروه مؤلفان. (۱۳۹۷). فارسی پایه هشتم متوسطه. چاپ چهارم. تهران: انتشارات درسی وزارت آموزش و پرورش.

- گروه مؤلفان. (۱۳۹۷). فارسی پایه نهم متوسطه. چاپ پنجم. تهران: انتشارات درسی وزارت آموزش و پرورش.
- گلاسر، ویلیام. (2001). واقعیت درمانی. ترجمه محمد هوشمند ویژه. تهران: انتشارات خجسته.
- گلاسر، ویلیام. (1998). نظریه انتخاب؛ روان‌شناسی نوین آزادی شخصی. ترجمه مهرداد فیروز بخت. تهران: نشر رسا.
- گلاسر، ویلیام. (2016). هر دانش‌آموزی می‌تواند موفق شود. ترجمه مهرداد فیروز بخت. تهران: نشر رسا.
- میرزاییگی، علی. (۱۳۷۰). نقش هنر در آموزش و پرورش و بهداشت روانی کودکان. تهران: مدرسه برهان.
- یاراحمدی، حدیث. (۱۳۹۰). «تحلیل شخصیت در داستان رضا امیرخانی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی نسرتین فلاح. رفسنجان: دانشگاه ولی عصر (عج).
- Coles, R. (1986). The call of stories: Teaching and the moral imagination. Boston: Houghton Mifflin.
- Glasser, William. (1985). Control theory. Newyork: Harper & Row.
- Glasser, W (1985). Choice Theory: A New Explanation of How We Control Our Lives, New York: Harper & Row .
- Glasser, W (1990). The Basic Concepts of Reality Therapy. Canoga Park, Ca: Institute for Reality Therapy.
- Glasser, W. (1998). Choice Therapy: A new Psychology of Personal Freedom. New York : Harper Collins.